

مالکیت ادبی و هنری... (۲)

بخش سوم - حقوق مادی پدیدآورنده^(۱)

پدیدآورنده دارای حق انحصاری هرگونه بهره‌برداری مالی از اثر است. بعبارت دیگر هرگونه تصرف در اثر که متضمن استفاده مادی باشد متعلق به پدیدآورنده است. انونگذار ایران از این حقوق به «حقوق مادی» تعبیر کرده و شاید بهتر بود به جای آن حقوق مالی که رساتر و با اصطلاحی که در زبان فرانسه برای این حقوق بکار میرود^(۲) بزمطبق است استعمال میشد. مهمترین حقوق و امتیازات مالی پدیدآورنده در حقوق ایران بشرح زیر است:

الف - حق نشر و تکثیر (ماده ۳ قانون ایران)

اثر برای مردم ایجاد شمه و بانشر و تکثیر در اختیار عموم گذارده میشود. حق نشر و تکثیر اثر به منظور بهره‌برداری مادی از آن ویژه پدید آورنده است. البته پدید آورنده میتواند اثر را خود نشر و تکثیر کند یا این حق را به دیگری انتقال دهد (ماده ۴). بلا مؤلف میتواند برای چاپ و نشر کتاب خود باناشری قرار داد به بندد و چند درصدی بهای فروش کتاب را چنانکه معمول است بعنوان حق التالیف دریافت دارد. این ارداد ممکن است برای یک چاپ باشد یا این حق را برای کلیه چاپها به ناشر انتقال دهد. قانونگذار فرانسه برای حمایت از حقوق مؤلفان و جلوگیری از تجاوز به آن ارداد چاپ و نشر^(۳) را به تفصیل تنظیم و آزادی متعاملین و حاکمیت اراده را در این ب محدود نموده است (مواد ۴۸ تا ۶۰ قانون ۱۹۰۷). لیکن متأسفانه در قانون ایران

(۱) دبا، همان کتاب، ش ۲۲ به بعد، - پلانیول - ریبر و پیکار، ج ۳، ش ۷۴

کرر، - ریبر - بولانژه، ج ۲، ش ۲۹۰۷ به بعد، - دائرة المعارف حقوقی دالوز، ش ۱۷۴ به بعد، - یکسیونر حقوقی دالوز، ش ۲ به بعد.

Droits patrimoniaux (۲)

Contrat d'édition (۲)

مقررات خاصی، بجز دوسه قاعده استثنائی، در این باره وجود ندارد و این گونه اصولاً قرارداد تابع قواعد عمومی معاملات است.

در قانون فرانسه صریحاً مقرر شده است که انتقال یک شیء معین مادی که اثر ادبی یا هنری در آن مجسم شده است موجب انتقال حق نشر و تکثیر نیست (ماده ۲۹) مثلاً اگر مؤلف یک نسخه خطی یا چاپی از کتاب خود را بدیگری بفروشد، خریدار نمیتواند آنرا نشر و تکثیر و از آن بهره برداری کند، چه فقط مالک یک سال مادی است، نه منتقل الیه حق نشر و تکثیر، مگر اینکه بموجب قرارداد این حق نیز به او واگذار شده باشد. همچنین کسی که یک مجسمه یا یک تابلوی نقاشی خریده مالک یک مال منقول مادی است که فکر خلاق هنرمند در آن مجسم شده است ولی مالکیت هنری که حق نشر و تکثیر جزئی از آن است به او انتقال نیافته است؛ بنابراین نمیتواند از طریق نشر و تکثیر و نسخه برداری از آن بهره برداری کند.

ماده ۷۰۴ قانون آئین دادرسی مدنی ایران نیز همین قاعده را پذیرفته است. نسخه برداری و تکثیر بدون قصد انتفاع. - در قانون ایران در دوسوم استثنائی تکثیر و نسخه برداری از اثر مجاز شناخته شده است:

اولاً، کتابخانه های عمومی و مؤسسات جمع آوری نشریات و مؤسسات علمی و آموزشی که بصورت غیر انتفاعی اداره میشوند میتوانند از اثرهای مورد حمایت قانون از راه عکس برداری یا طرق مشابه آن به میزان مورد نیاز و متناسب با فعالیت خود نسخه برداری کنند (ماده ۸).

ثانیاً، نسخه برداری از کتب و نوشته های علمی و ادبی و هنری فقط در صورتیکه برای استفاده شخصی و غیر انتفاعی باشد مجاز است (ماده ۱۱).

ملاحظه میشود که ضابطه نسخه برداری بدون اجازه پدیدآورنده در مواردی که مجاز شناخته شده است استفاده غیر انتفاعی است و قانونگذار نسخه برداری از اثر برای استفاده انتفاعی را بدون موافقت پدیدآورنده اجازه نداده است.

ب - حق ترجمه

حق ترجمه اثر به یک زبان خارجی و بهره‌برداری از آن نیز ویژه پدیدآورنده است. گاهی ترجمه یک اثر و انتشار آن منبع درآمد سرشار است و نباید به اشخاص اجازه داد که بدون اجازه مؤلف اثر او را ترجمه و از این راه بهره‌برداری کنند. البته پدیدآورنده میتواند این حق را به غیر واگذار کند (بنده از ماده ۸ قانون ۱۳۴۸).

ج - حق اقتباس و تلخیص و تبدیل

حق اقتباس و تلخیص و تبدیل اثر به منظور ایجاد یک اثر دیگر ویژه پدیدآورنده است. بنابراین هیچکس نمیتواند اثری را که مورد حمایت قانون است از طریق اقتباس، تلخیص و تبدیل بدون موافقت پدیدآورنده بصورت دیگری درآورده از آن بهره‌برداری کند (بنده ۱ و ۶ و ۷ از ماده ۹ و ماده ۱۰). لیکن اگر فکر واحدی مورد استفاده و نویسنده یکی پس از دیگری واقع شده باشد بدون اینکه نویسنده دوم از ترکیب ها و تعبیرهای نویسنده اول استفاده کرده باشد، اقتباس به معنایی که مورد نظر ماست صدق نمیکند و جلب موافقت نویسنده اول برای اینگونه استفاده لازم نیست؛ چه همانطور که گفته شد حق پدیدآورنده به شکل و نحوه بیان فکر تعلق میگیرد نه بفکر صرف که همگان حق برخورداری از آن را دارند^(۱).

اگر اقتباس کلی از اثر دیگری بدون موافقت پدیدآورنده ممنوع است در مقابل، «نقل از اثرهایی که انتشار یافته است و استناد به آنها به مقاصد ادبی و علمی و فنی و آموزشی و تربیتی و بصورت انتقاد و تقریظ با ذکر مأخذ در حدود متعارف مجاز است» (ماده ۷ قانون حمایت حقوق مؤلفان). حتی قانونگذار برای تسهیل در تهیه جزوه‌هایی که برای تدریس در مؤسسات آموزشی توسط معلمان فراهم و تکثیر میشود ذکر مأخذ را در آنها الزامی ندانسته است، مشروط بر اینکه این کار جنبه انتفاعی نداشته باشد (ماده ۷).

(۱) - دائرة المعارف حقوقی دالوز، ش ۱۸ به بعد، - دیکسیونر حقوقی دالوز، ش ۳.

در اینجا بجاست یاد آور شویم که نه تنها خود اثر از حمایت قانون برخوردار است بلکه نام و عنوان و نشانه و ویژه‌ای که معرف اثر است نیز مورد حمایت قانون و اقتباس آن به ترتیبی که القاء شبهه کند ممنوع است. ماده ۱۷ قانون حمایت حقوق مؤلفان در این زمینه مقرر میدارد: «نام و عنوان و نشانه و ویژه‌ای که معرف اثر است از حمایت این قانون برخوردار خواهد بود و هیچکس نمیتواند آنها را برای اثر دیگری از همان نوع یا مانند آن به ترتیبی که القاء شبهه کند بکار برد.»

د - حق عرضه و اجراء

عرضه و اجراء آثار نمایشی و موسیقی بمنظور بهره‌برداری مادی متعلق به پدید آورنده است. بنابراین نمایش و اجراء مستقیم اثر برای مردم یا پخش آن از رادیو و تلویزیون و وسائل دیگر، همچنین ضبط تصویری یا صوتی اثر بر روی صفحه یا نوار یا هر وسیله دیگر بدون موافقت پدید آورنده مجاز نیست. البته پدید آورنده میتواند این حقوق یا قسمتی از آنها را به دیگری انتقال دهد (ماده ۳ و قانون ۱۳۴۸).

معهداً طبق ماده ۱۱ قانون مذکور ضبط برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی، در صورتیکه برای استفاده شخصی و غیرانتفاعی باشد، مجاز است.

سوالی که در اینجا مطرح میشود آن است که آیا این ماده شامل استفاده - خانوادگی میشود یا نه؛ بعبارت دیگر آیا شخص میتواند برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی را برای استفاده خود و خانواده‌اش ضبط کند و نیز آیا نمایش و اجراء اثر در محافل خانوادگی مجاز است. در حقوق فرانسه قانونگذار اینگونه استفاده را مجاز دانسته است (ماده ۱۴ قانون ۱۹۵۷). در حقوق ایران نیز میتوان همین راه حل را پذیرفت؛ میتوان گفت منظور از استفاده شخصی استفاده خود شخص و خانواده اوست؛ اجراء و نمایش اثر در محافل خانوادگی نیز که نظیر ضبط برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی بمنظور استفاده شخصی است با توجه به وحدت ملاک مجاز است. ولی بهتر آن بود که قانونگذار

بجای شخصی کلمه خصوصی و خانوادگی را بکار میبرد و در مورد اجراء و نمایش مستقیم اثر در محافل خانوادگی نیز به مجاز بودن آن تصریح می‌کند.

باید یاد آور شد که انتقال حق اجراء و عرضه اثر مستلزم انتقال حق تکثیر و نشر و نسخه برداری از اثر نیست و بالعکس (ماده ۳ قانون فرانسه). مثلاً اگر نویسنده‌ای موافقت کند که کتابش بصورت نمایشنامه در تئاتری عرضه شود، طرف قرارداد نمیتواند باستناد این موافقت کتاب را نشر و تکثیر نماید.

ه - حق استفاده از پاداش و جایزه

از جمله حقوق مادی پدید آورنده استفاده از پاداش و جایزه مادی است که در مسابقات علمی و هنری و ادبی به اثر او تعلق می‌گیرد (تبصره ماده ۳ قانون ایران). انتقال حقوق دیگر مستلزم انتقال این حق نخواهد بود. بنابراین اگر مؤلف حق چاپ و نشر کتاب خود را به ناشری واگذار کند ناشر نمیتواند ادعائی بر پاداش و جایزه‌ای که به اثر تعلق می‌گیرد داشته باشد.

حق تعقیب در حقوق فرانسه

در حقوق فرانسه علاوه بر حقوق مذکور حق تعقیب^(۱) نیز برای پدید آورنده قائل شده‌اند (ماده ۲۴). منظور از حق تعقیب حق برداشت مبلغی بوسیله هنرمند از بهای فروش مجدد اثر اوست، مشروط بر اینکه اثر از طریق مزایده عمومی فروخته شود یا فروشنده آن تاجر باشد. این مبلغ ۳ درصد از بهای فروش است، در هر معامله‌ای که بهای آن از صد فرانک متجاوز باشد و نسبت به همه بهای فروش احتساب میشود نه مقداری که فروشنده سود برده است. هدف قانونگذار فرانسه از شناختن حق تعقیب این بوده است که هنرمند را از افزایش بهای آثار خود بهره‌مند سازد. این حق ویژه کلیه آثار هنری باستانهای موسیقی است.

شناسائی این حق برای هنرمند در حقوق فرانسه مورد انتقاد گروهی از حقوقدانان

واقع شده و در حقوق ایران چنین حقی که برخلاف اصل است برای پدیدآورنده شناخته نشده است.

شرط حمایت از حقوق مادی

طبق ماده ۲۲ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان «حقوق مادی پدیدآورنده موقعی از حمایت این قانون برخوردار خواهد بود که اثر برای نخستین بار در ایران چاپ یا پخش یا نشر یا اجراء شده باشد و قبلاً در هیچ کشوری چاپ یا نشر یا پخش یا اجراء نشده باشد». بنابراین، قانون ایران با اینکه اصولاً بین بیگانه و تبعه کشور تفاوت نگذاشته، معهذا از آثاری که برای نخستین بار در خارج نشر یا اجراء شده باشد حمایت نکرده است. بالتبعه میتوان از این گونه اثرها حتی بدون اجازه پدید آورنده در ایران بهره‌برداری کرد. مثلاً کتابی که برای نخستین بار در خارج ایران چاپ و نشر شده باشد چاپ و نشر مجدد آن یا ترجمه و بهره‌برداری از آن در ایران مانعی نخواهد داشت. این راه حل که از نظر اخلاقی و حسن تفاهم بین المللی قابل انتقاد است با ملاحظات مربوط به مصالح ملی بویژه در مورد کتابهای علمی توجیه میشود. اگر ترجمه و نشر آثار خارجی بدون اجازه پدیدآورنده ممکن نبود، اشکالاتی در راه نشر این اثرها پدید می‌آمد؛ چه ممکن است باسانی نتوان اجازه پدیدآورنده یا کسی را که حق بهره‌برداری از اثر به او منتقل شده است تحصیل کرد؛ ممکن است مؤلفان یا ناشران خارجی مبلغ گزافی درازاء اجازه ترجمه و نشر اثر در ایران مطالبه کنند و همین امر مانعی در راه ترجمه و نشر اثر ایجاد کند یا لاقلاً موجب بالا رفتن بهای کتاب در ایران شود. اگرچه این استدلال و توجیه در مورد کتابهای درسی و علمی که مورد احتیاج مبرم ماست قابل قبول بنظر میرسد، اما در مورد سایر اثرهای مورد حمایت قانون قبول آن دشوار است.

بهر حال در حقوق فرانسه چنین قاعده‌ای دیده نمیشود و قانون فرانسه نه تنها فرقی بین تبعه کشور و بیگانه در این زمینه نگذاشته، بلکه از آثاری نیز که برای

نخستین بار در خارج فرانسه چاپ و نشر یا اجراء شده باشد حمایت میکنند (مستنبت از ماده ۷ قانون ۱۹۵۷). در توجیه این قاعده میگویند: حقوق پدیدآورنده که مبتنی بر یک ابداع فکری است برای حمایت از منافع معنوی و مادی او در نظر گرفته شده است و ارتباطی با تابعیت پدید آورنده یا محل انتشار اثر ندارد. باید اضافه کرد که حمایت قانون فرانسه از آثار خارجی قبل از قانون ۸ ژوئیه ۱۹۶۴ بدون قید و شرط بود؛ اما بموجب این قانون شرط حمایت از اثرهایی که در خارج فرانسه منتشر شده رفتار متقابل است. با وجود این هرگاه کشوری از اثرهای منتشر شده در فرانسه حمایت نکند، بهره‌برداری از آثار منتشره در این کشور در داخل فرانسه مجاز نخواهد بود، مگر با پرداخت مبلغی به سازمانهای عام المنفعه‌ای که بموجب تصویبنامه معین شده است، مانند «صندوق ملی ادبیات» برای نشر آثار ادبی^(۱).

خصوصیات حقوق مادی پدیدآورنده

حقوق و امتیازات مالی پدیدآورنده دارای دو خصوصیت است: اولاً قابل نقل و انتقال است؛ ثانیاً موقت است.

- ۱- حقوق مادی پدیدآورنده قابل نقل و انتقال است. - پدیدآورنده میتواند همه حقوق و امتیازات مالی خود یا قسمتی از آن را بدیگری انتقال دهد. ماده ۹ قانون ایران در این زمینه مقرر میدارد: «پدیدآورنده اثرهای مورد حمایت این قانون میتواند استفاده از حقوق مادی خود را در کلیه موارد و از جمله موارد زیر به غیره واگذار کند:
 - ۱- تهیه فیلمهای سینمایی و تلویزیونی و مانند آن.
 - ۲- نمایش صحنه‌ای مانند تئاتر و باله و نمایشهای دیگر.
 - ۳- ضبط تصویری و یا صوتی اثر بر روی صفحه و یا نوار یا هر وسیله دیگر.
 - ۴- پخش از رادیو و تلویزیون و وسائل دیگر.

(۱) دبا، چاپ دوم، ش ۷۸۴ به بعد.

ه- ترجمه ونشرو تکثیر و عرضه اثر از راه چاپ و نقاشی و عکاسی و گراور و کلیشه و قالب‌ریزی و مانند آن .

۶- استفاده از اثر در کارهای علمی و ادبی و صنعتی و هنری و تبلیغاتی .

۷- بکاربردن اثر در فراهم کردن یا پدید آوردن اثرهای دیگر که در ماده دوم

این قانون درج شده است . « این انتقال ممکن است معوض یا سبجانی باشد .

بعلاوه حقوق مالی پدیدآورنده قابل انتقال از طریق ارث و وصیت است (ماده

۱۲) . در هر حال انتقال گیرنده اعم از ناشر و غیره مکلف است نام پدیدآورنده را با

عنوان و نشانه ویژه معرف اثر « همراه اثر یا روی نسخه اصلی یا نسخه های چاپی یا

تکثیر شده » به روش معمول و متداول اعلام و درج نماید مگر اینکه پدیدآورنده به ترتیب

دیگری موافقت کرده باشد (ماده ۱۸) .

۲- حقوق مادی پدیدآورنده موقت است . - حقوق مالی پدید آورنده در طول

حیات او باقی است و بعد از مرگ پدیدآورنده نیز به مدت سی سال از تاریخ مرگ متعلق

به وراثت یا شخصی است که این حقوق بموجب وصیت به او منتقل شده است . اگر

وارث و موصی له برای بهره برداری از اثر وجود نداشته باشد این حقوق برای همان

مدت به منظور استفاده عمومی در اختیار وزارت فرهنگ و هنر قرار خواهد گرفت (ماده ۱۲

قانون ۱۳۴۸) .

در قانون ۱۹۵۷ فرانسه مدت حمایت بعد از فوت پدیدآورنده . ه سال از تاریخ

اول ژانویه سال متعاقب فوت است .

حال به بینیم چرا حق مالی پدیدآورنده باید موقت باشد . بعضی از حقوقدانان

در توجیه آن دلیلی آورده اند که تاحدی عجیب است و آن اینست که اگر حق مالی

پدیدآورنده دائم باشد انتقال آن از نسلی به نسلی دیگر موجب خواهد شد که پس از

مدتی مال بین عده زیادی مشترك و بهره برداری از آن غیر ممکن گردد . اگر فرض کنیم

که در هر نسل دو فرزند وجود داشته باشد در دوازدهمین نسل مالکیت ادبی و هنری

بین ۹۶ . ۴ نفر مشترك خواهد بود .

این توجیه قابل قبول نیست زیرا ممکن است از طریق تقسیم‌ترکه یا فروش اثر به یک شخص اشاعه از میان برود و وحدت حق برقرار گردد. و آنکه اگر این دلیل درست باشد در مورد مالکیت عین نیز مصداق خواهد یافت و این مالکیت نیز باید موقت باشد، درحالی‌که دوام از خصوصیات اینگونه مالکیت است.

دلیل قابل قبول در این خصوص آن است که اثر ادبی یا هنری برای استفاده عموم پدید آمده است. البته همه آثار ادبی و هنری قابل دوام نیست و بسیاری از آنها پس از مدتی به دست فراموشی سپرده میشود. آثاری که باقی میماند کم‌کم جزء دارائی فکری و معنوی جامعه میشود. بنابراین پس از مدتی که بهره‌برداری مادی از اثر منحصر به پدیدآورنده و وراثت او بوده و پس از اینکه اینان پاداش خود را دریافت کردند حقوق فردی نسبت به اثر باید به نفع حقوق جامعه ساقط شود و همگان بتوانند از آن بهره‌مند گردند. در این صورت در حقوق فرانسه میگویند اثر داخل در قلمرو اموال عمومی^(۱) شده است^(۲).

در حقوق فرانسه بعد از انقضاء مدت انحصار پدیدآورنده و وراثت او، بهره‌برداری از اثر به مدت ۱۰ سال به «صندوق ملی ادبیات» که یک شخصیت حقوقی عمومی است تعلق میگیرد.

درواقع این مؤسسه قائم مقام پدیدآورنده خواهد بود و حقوق مادی او را در این مدت اعمال خواهد کرد (قانون ۲ فوریه ۱۹۵۶ و تصویبنامه ۲۹ نوامبر ۱۹۵۶)^(۳). بعد از انقضاء مدت مذکور استفاده از اثر برای همگان آزاد خواهد بود.

موارد افزایش یا کاهش مدت. مدت عادی حمایت مادی از اثر چنانکه گفتیم تاسی سال بعد از مرگ پدیدآورنده در حقوق ایران و تا پنجاه سال در حقوق فرانسه است. در موارد استثنائی این مدت را قانونگذار افزایش یا کاهش داده است.

(۱) *Domaine public*

(۲) ریبر-بولانژه، کتاب مذکور، ش ۲۹۰۸.

(۳) دیوا، کتاب مذکور، ش ۳۳۶ به بعد.

این موارد را در حقوق ایران به شرح زیر می‌توان ذکر کرد:

۱- مدت حمایت از اثر مشترک سال بعد از فوت آخرین پدیدآورنده خواهد بود (تبصره ماده ۱۲).

منظور از اثر مشترک اثری است که با همکاری دو یا چند نفر پدید آمده باشد و کار یکایک آنان جدا و متمایز نباشد. این اثر ملک مشاع پدیدآورندگان است (ماده ۶). چون عادلانه نیست که مدت بهره‌برداری انحصاری از اثر برای ورثه بعضی از پدیدآورندگان کمتر از سی سال باشد لذا قانونگذار حمایت از آنرا تا سی سال بعد از فوت آخرین پدیدآورنده قرار داده است. بدین ترتیب مدت بهره‌برداری انحصاری برای وراث پدیدآورندگانی که قبلاً در گذشته اند بیشتر از سی سال از تاریخ فوت مورثان خواهد بود.

۲- «حقوق مادی اثرهایی که در نتیجه سفارش پدید می‌آید تا سی سال از تاریخ پدید آمدن اثر متعلق به سفارش دهنده است، مگر آنکه برای مدت کمتر یا ترتیب محدودتری توافق شده باشد» (ماده ۳). پس از انقضاء این مدت حقوق مذکور در صورت حیات پدیدآورنده متعلق به خود او و در غیر این صورت تا مدت سی سال بعد از فوت از آن ورثه پدیدآورنده یا وصی له خواهد بود (ماده ۱). چون اثر ادبی یا هنری نتیجه فعالیت فکری مؤلف یا هنرمند است نه سفارش دهنده از اینرو قانونگذار مدت حقوق مادی سفارش دهنده را حداکثر سی سال قرار داده است.

۳- هرگاه بهره‌برداری مالی از اثر بموجب قرارداد به دیگری منتقل شده باشد انتقال گیرنده می‌تواند تا سی سال پس از واگذاری از اثر بهره‌برداری کند مگر اینکه برای مدت کمتری توافق شده باشد (ماده ۴). پس از انقضاء مدت مذکور در صورت حیات پدیدآورنده حق متعلق به خود او و در غیر این صورت متعلق به ورثه یا وصی له تا سی سال بعد از فوت پدیدآورنده خواهد بود (ماده ۵).

۴- طبق ماده ۶ قانون در دو مورد حقوق مادی پدیدآورنده به مدت سی سال از تاریخ نشر یا عرضه مورد حمایت خواهد بود:

اول - اثرهای سینمایی یا عکاسی .

دوم - هرگاه اثر متعلق به شخص حقوقی باشد ، یا حق استفاده از آن به شخص حقوقی واگذار شده باشد .

اثرهای سینمایی و عکاسی . - در مورد اثرهای سینمایی و عکاسی ، در حقوق فرانسه - برخلاف حقوق ایران - مدت حمایت محدود نشده است . حتی بموجب قانون ۱۹۵۷ فرانسه مدت حمایت از اثر سینمایی که یک اثر مشترک^(۱) تلقی میشود^(۲) تا پنجاه سال بعد از فوت آخرین پدیدآورنده است (ماده ۲۱)؛ بنابراین مدت حمایت در مورد آثار سینمایی بیشتر از مدت عادی حمایت است . این قاعده مورد انتقاد بعضی از حقوقدانان واقع شده است ، بدلیل اینکه عده کسانی که در ایجاد اثر سینمایی همکاری دارند زیاد است و راه حل مذکور سبب میشود که مدت حمایت به طول انجامد و استفاده آزاد از اثر برای مدتی مدید ممنوع باشد ، با اینکه این اثرها مدتی دراز بر پرده سینما نمی‌پایند ؛ علیهذا مناسب آن است که مدت کمتری که یکنواخت هم باشد برای حمایت پذیرفته شود . حقوق ایتالیا مانند حقوق ایران مدت حمایت را سی سال از تاریخ نخستین عرضه عمومی اثر قرار داده و ضمناً اضافه کرده است که اگر تا پنج سال از تاریخ تولید ، اثر به معرض نمایش گذارده نشود مدت حمایت سی سال از تاریخ تولید خواهد بود (ماده ۳۲ قانون مورخ ۲۲ آوریل ۱۳۴۱)^(۳) .

اما در مورد آثار عکاسی که قانونگذار ایران در ماده ۶ به آثار سینمایی ملحق کرده و در واقع بین آنها شباهت وجود دارد عقاید مختلف است ؛ در حقوق فرانسه قاعده عمومی مدت حمایت در این باره اجراء میشود و استثنائی در این مورد وجود ندارد . در کنفرانس بین المللی بروکسل که به سال ۱۹۴۸ تشکیل شد ، طبق تجدید نظری که در پیمان بین المللی برن راجع به حمایت از آثار ادبی و هنری بعمل آمد ، الحاق آثار عکاسی به اثرهای سینمایی پذیرفته

(۱) oeuvre de collaboration

(۲) دبوا ، همان کتاب ، چاپ دوم ، ش ۳۳۵ .

(۳) دبوا ، چاپ اول ، ش ۶۰۷ .

شد. اما کنفرانس استکهلم مورخ ۱۹ ژوئیه ۱۹۶۷ که آخرین بار در این عهدنامه تجدیدنظر کرده بین اثرهای سینمائی و عکاسی فرق گذاشته است: بموجب ماده ۷ اصلاحی عهدنامه مذکور مدت حمایت از اثرهای سینمائی تا پنجاه سال بعد از مرگ پدیدآورندگان است. معهدا کشورهای عضو اتحادیه میتوانند مدت حمایت را تا پنجاه سال از تاریخ عرضه اثر به عموم قرار دهند. لیکن بموجب همین ماده (بند ۴) تعیین مدت حمایت از اثرهای عکاسی به کشورهای متعاقد واگذار شده است، مشروط بر اینکه مدت حمایت را کمتر از ۲۵ سال از تاریخ تحقق اثر قرار ندهند^(۱).

تفکیک بین اثر سینمائی و اثر عکاسی مبتنی بر این نظر است که عکاسی یک کار هنری بمعنی حقیقی نیست زیرا هنرمند کسی است که اثر را شخصاً به کمک دست و هدایت فکری پدید میآورد. ممکن است هنرمند وسیله‌ای نیز برای خلق اثر هنری خود بکار برد؛ اما نقش فعالیت فکری و دستی او بیش از نقش ابزار و وسیله است، در حالی که در عکاسی وسیله مکانیکی که بکار میرود نقش اساسی را ایفاء میکند و اهمیت آن بیش از نقش فعالیت فکری و دستی عکاس است. بنابراین ماهیت عکاسی با ماهیت کارهای هنری متفاوت است^(۲).

البته این استدلال مورد قبول همه حقوقدانان واقع نشده و در عمل نیز اثر عکاسی اصیل و ابتکاری در پاره‌ای کشورها از جمله ایران و فرانسه در ردیف کارهای هنری به شمار آمده است. بعلاوه چنانکه گفتیم قانونگذار ایران اثرهای عکاسی را به آثار سینمائی ملحق کرده است.

اثرهای متعلق به شخص حقوقی - در مورد اثری که متعلق به شخص حقوقی است، در حقوق فرانسه نیز مدت حمایت محدود شده و تا پنجاه سال از تاریخ نشر اثر است. شخص حقوقی فقط هنگامی پدید آورنده و مالک اثر تلقی میشود که اثر به ابتکار و زیر نظر او

(۱) رجوع شود به مجله بین‌المللی حق مؤلف و هنرمند، شماره مخصوص اکتبر ۶۷-

ژانویه ۶۸، ص ۱۴۵ به بعد؛ ۲۲۱ به بعد و ۷۷۲.

(۲) دیوا، چاپ اول ش ۱۱۲ به بعد.

بوسیله چندین شخص طبیعی تهیه و بانام شخص حقوقی منتشر شده باشد (مواد ۹ و ۱۳ قانون ۱۹۵۷). نقش شخص حقوقی در اینجا هدایت و هماهنگ کردن کارهای افراد و تهیه اثر واحدی از مجموع آنها و نشر اثر است. اصولاً پدیدآورنده و مالک اثر شخص طبیعی است که فکر خلاق او اثر را ایجاد کرده است و شناختن عنوان پدیدآورنده برای شخص حقوقی برخلاف اصل و امری استثنائی است و از این لحاظ قانونگذار ایران و فرانسه مدت عادی حمایت را در این باره اجراء نکرده و مدت کمتری برای حمایت از اثر قائل شده است^(۱). مضافاً بر اینکه عمر شخص حقوقی معمولاً محدود نیست و ممکن است قرن‌ها باقی بماند و از این جهت نیز قاعده عادی مدت حمایت در اینجا قابل اجراء نیست.

بدینسان کاهش مدت حمایت در موردی که اثر متعلق به شخص حقوقی باشد توجیه می‌شود. اما چنانکه گفتیم، ماده ۱۶ قانون حمایت حقوق مؤلفان موردی رانیز که حق استفاده از اثر به شخص حقوقی واگذار شده باشد مشمول همان قاعده دانسته است و این خالی از اشکال نیست، زیرا بنظر میرسد که این مورد باید مشمول ماده ۱۴ قانون باشد که در صورت انتقال حق پدیدآورنده، مدت حمایت را تا سی سال بعد از واگذاری قرار داده است. چه فرقی است بین موردی که استفاده و بهره‌برداری از اثر به شخص طبیعی و موردی که این استفاده به شخص حقوقی واگذار شده باشد؟ چرا در مورد اول مدت حمایت حداکثر سی سال از تاریخ انتقال و در مورد دوم تا سی سال از تاریخ نشر یا عرضه است که ممکن است مدتها قبل از انتقال انجام شده باشد؟

در خاتمه این بحث یادآور می‌شویم که در حقوق فرانسه مدت حمایت از آثاری که بدون نام یا بانام مستعار منتشر می‌شود پنجاه سال از تاریخ انتشار اثر است (ماده ۲۲ قانون ۱۹۵۷). لیکن متأسفانه قانون ایران در این خصوص ساکت و از این لحاظ ناقص است. علت استثناء مذکور این است که در اینگونه اثرها نام پدیدآورنده معلوم نیست و نمیتوان تاریخ مرگ او را مبدأ حمایت از اثر قرار داد^(۲).

(۱) دیوا، همان کتاب، چاپ اول، ش ۳۳۲.

(۲) دیوا، همان کتاب، ش ۳۲۹. به بعد، دائرة المعارف حقوقی دالوز، ش ۳۱۰.

بخش چهارم - حقوق معنوی پدیدآورنده^(۱)

مؤلف یا هنرمند علاوه بر حقوق مالی دارای پاره‌ای حقوق و امتیازات غیرمالی است که مربوط به شخصیت او و برای حمایت از آن است. قانونگذار ایران این حقوق را تحت عنوان «حقوق معنوی» برای پدیدآورنده شناخته است (مواد ۳ و ۴) و بعضی از حقوقدانان آنرا حقوق اخلاقی نامیده‌اند و در حقوق فرانسه آنرا *droit moral* گویند. قانونگذار ایران حقوق معنوی پدیدآورنده را تعریف نکرده ولی با توجه به مواد مختلف قانون حمایت حقوق مؤلفان و استفاده از حقوق تطبیقی این حقوق را میتوان شامل حقوق زیر دانست:

الف - حق انتشار

مؤلف یا هنرمند تنها کسی است که میتواند درباره انتشار یا عدم انتشار اثر خود تصمیم بگیرد و نمیتوان او را مجبور به انتشار اثرش کرد. در واقع انتشار اثر برخلاف میل و رضای پدیدآورنده تجاوز به شخصیت او محسوب میشود.

در حقوق فرانسه نه تنها بموجب ماده ۱۹۰۷ قانون ۱۹۰۷ برای پدیدآورنده حق تصمیم درباره انتشار یا عدم انتشار اثر، در صورتیکه حق نشر آنرا بدیگری واگذار نکرده باشند، قائل شده‌اند، بلکه حتی به پدیدآورنده حق میدهند که با وجود داشتن قرارداد بدیگری و برخلاف اصل اجباری بودن قرارداد از تحویل اثر خودداری کند. مثلاً نویسنده‌ای که برای تألیف و نشر کتابی با ناشری قرارداد بسته است یا نقاشی که تعهد کرده است تا بلوئی برای دیگری بکشد میتواند بعد از اتمام اثر از تسلیم آن امتناع کند، حتی اگر متعهدله از کار انجام شده راضی باشد. میگویند: احترام به شخصیت

(۱) پلانیول - ریپروپیکار، ج ۳، ش ۵۷۵ - ریپر - بولانژه، ج ۲، ش ۲۹۱ - دیوا، چاپ

دوم ش ۳۸ - به بعد، - مارتی ورنو، ج ۲، بخش ۲، ش ۴۲۴ - دائرة المعارف حقوقی دالوز،

ش ۳۴۳ - به بعد، - ویل، حقوق مدنی، ج ۱، ش ۲۵۰ و ۴۵۹۹.

پدیدآورنده ایجاب میکند که اگر از کار خود راضی نیست و نمیتواند آنرا منتشر کند کسی نتواند او را مجبور به تسلیم و نشر اثرش نماید.

شک نیست که پدیدآورنده در صورت عدم انجام تعهد باید خسارات وارد به متعهدله را جبران کند.

در حقوق ایران نص خاصی در این باره دیده نمیشود. ولی با توجه به قواعد عمومی معاملات و اصل لزوم قرارداد نمیتوان به پدیدآورنده حق داد که پس از تکمیل اثر از تسلیم آن برخلاف قرارداد خودداری کند. در صورت امتناع از تسلیم، متعهدله میتواند اجبار او را به تسلیم از طریق قانونی درخواست نماید.

در حقوق فرانسه حق تصمیم درباره انتشار و عدم انتشار اثر اگر در مورد خود پدیدآورنده مطلق است در مورد وراثت و اشخاص دیگری که قائم مقام پدیدآورنده هستند محدود شده است: ماده ۲ قانون ۱۹۵۷ مقرر میدارد که در صورتی که سوء استفاده نمایندگان پدیدآورنده در عدم اعمال این حق مشهود باشد، دادگاه مدنی میتواند دستور سانسب در این خصوص صادر کند.

ب - حق حرمت نام و عنوان پدیدآورنده

این حق در حقوق فرانسه حق ولایت بر اثر^(۱) نامیده میشود، شاید بدانجهت که همانطور که پدر حق دارد نام خود را بر فرزندش بگذارد پدیدآورنده نیز حق دارد نام خود را روی اثرش نهد.

بموجب این حق پدید آورنده میتواند انتشار اثر را با نام و عنوان خود (مانند عناوین دانشگاهی و غیره) بخواهد. نشر اثر بدون نام پدیدآورنده یا با نام دیگری بدون موافقت پدیدآورنده ممنوع و قابل مجازات است.

در واقع نام و عنوان پدید آورنده جزئی از شخصیت اوست و تجاوز به این حق

تجاوز بشخصیت پدیدآورنده محسوب میشود. ماده ۸، قانون حمایت حقوق مؤلفان در این خصوص مقرر میدارد: «انتقال گیرنده و ناشر و کسانی که طبق این قانون اجازه استفاده یا استناد یا اقتباس از اثری را بمنظور انتفاع دارند باید نام پدیدآورنده را با عنوان و نشانه ویژه معرف اثر همراه اثر یا روی نسخه اصلی یا نسخه های چاپی یا تکثیر شده به روش معمول و متداول اعلام و درج نمایند، مگر اینکه پدیدآورنده به ترتیب دیگری موافقت کرده باشد». مواد ۲۳ و ۲۴ قانون نیز برای این حق ضمانت اجرای جزائی در نظر گرفته است. و نیز همین حق ایجاب میکند که نقل از اثرهای انتشار یافته و استناد به آنها به مقاصد ادبی و علمی و فنی و آموزشی و تربیتی و بصورت انتقاد و تقریظ اصولاً «فقط با ذکر مأخذ» مجاز باشد (ماده ۷).

ج - حق حرمت اثر

اثر پدیدآورنده که به شخصیت او بستگی دارد باید محترم شمرده شود، بدین معنی که هیچکس حق ندارد یک اثر ادبی یا هنری را بدون موافقت پدیدآورنده - تغییر دهد، اگرچه تغییر اندک باشد. بدینسان فرانسیس جم^(۱) موفق شد مؤلف یک کتاب درسی را که به بهانه بیطرفی کلمات مذهبی را از قطعات منتخب آثار او حذف کرده بود محکوم کند^(۲).

ماده ۹، قانون ایران در این باره مقرر میدارد: «هرگونه تغییر یا تحریف در اثرهای مورد حمایت این قانون و نشر آن بدون اجازه پدید آورنده ممنوع است.» بنابراین هیچکس نمیتواند اثری را بدون موافقت پدیدآورنده تغییر دهد؛ لیکن شک نیست که

(۱) Francis Jammes

(۲) دادگاه سن، رأی ۳۱ دسامبر ۱۹۲۴، دالوز ادواری ۱۹۲۵، بخش ۲ ص ۵۴

رأی ۷ ژوئیه ۱۹۳۸، سیره ۱۹۴۰، بخش ۲ ص ۴۷ (به نقل از ریپر-بولانژه، ج ۲، ص

خود پدیدآورنده میتواند آنرا تغییر دهد و بدین طریق تکمیلش کند یا با افکار جدید علمی، مذهبی و اخلاقی هماهنگ سازد.

حق عدول یا استرداد در حقوق فرانسه - در حقوق فرانسه علاوه بر حقوق مذکور حقی برای پدیدآورنده شناخته شده که در کشورهای دیگر کمتر نظیر دارد. این حق که جزء حقوق معنوی پدیدآورنده محسوب میشود حق عدول یا استرداد^(۱) نام دارد که در ماده ۳۲ قانون ۱۹۵۷ پیش بینی شده است. بموجب این ماده پدیدآورنده میتواند علیرغم قرارداد انتقال بهره برداری از اثر به دیگری و حتی بعد از انتشار از تصمیم خود عدول کند و اثر را پس بگیرد، مشروط بر اینکه خسارت منتقل الیه را از پیش جبران کند. و در صورتیکه پدیدآورنده از نو تصمیم به نشر اثر بگیرد منتقل الیه سابق حق تقدم خواهد داشت.

در حقوق ایران باسکوت قانون نمیتوان چنین حقی برای پدیدآورنده قائل شد زیرا برخلاف اصل لزوم و قدرت اجباری قرارداد است که از قواعد عمومی معاملات به شمار میآید.

خصوصیات حقوق معنوی پدیدآورنده

حقوق معنوی پدیدآورنده دارای خصوصیات زیر است:

- ۱- غیرقابل نقل است (ماده ۳ قانون حمایت حقوق مؤلفان)؛ یعنی نمیتوان بموجب قرارداد آنرا به غیر انتقال داد.
- طبیعت و هدف این حقوق اقتضا میکند که مانند سایر حقوق مربوط به شخصیت غیرقابل نقل و خارج از قلمرو دادوستد باشد.
- ۲- محدود به زمان و مکان نیست (ماده ۳). حقوق معنوی پدیدآورنده محدود به زمان نیست؛ بنابراین دائمی است و با سرور زمان ساقط نمیشود؛ و نیز محدود به مکان نیست، یعنی محل اقامت پدیدآورنده یا محل انتشار و عرضه اثر و هر عامل مکانی دیگر در آن بی تأثیر است.

بنابراین میتوان گفت قانون ایران از اثر هائی نیز که برای نخستین بار در این کشور، منتشر نشده باشد از نظر حقوق معنوی حمایت میکند و به اشخاص اجازه نمیدهد که به حقوق معنوی پدیدآورندگان این آثار تجاوز کنند، هر چند که قانونگذار ایران از حقوق مادی آنان حمایت نکرده است.

انتقال حق از طریق ارث و وصیت. - در حقوق فرانسه مقرر شده است که حقوق معنوی پدیدآورنده پس از مرگ او به کسی که بموجب وصیت برای اعمال این حقوق و در واقع برای حفظ حرمت پدیدآورنده و اثر او تعیین شده است منتقل میگردد و در صورتیکه کسی بموجب وصیت تعیین نشده باشد این حقوق به ورثه پدیدآورنده منتقل میشود (ماده ۱۹۰۷ قانون ۱۹۰۷). در حقوق ایران نص صریحی در این خصوص دیده نمیشود. حتی اگر ظاهر ماده قانون را ملاک قرار دهیم که میگوید حقوق معنوی پدیدآورنده «غیر قابل انتقال» است باید بگوئیم این حقوق غیر قابل انتقال از طریق ارث و وصیت است همانطور که نمیتوان بموجب قرارداد آنرا انتقال داد. لیکن این تفسیر از ماده درست نیست زیرا:

اولاً حمایت از شخصیت پدیدآورنده اقتضا میکند که حقوق معنوی او بعد از مرگ بوسیله کسانی که قائم مقام او هستند اعمال گردد.

ثانیاً، ماده ۷ قانون مذکور این حقوق را محدود به زمان ندانسته و از اینرو این حقوق نباید با فوت پدیدآورنده از میان برود.

ثالثاً، از ماده ۴ قانون که برای وزارت فرهنگ و هنر بعد از سپری شدن مدت حق مادی پدیدآورنده، عنوان شاکی خصوصی در صورت تجاوز به حقوق معنوی او قائل شده استنباط میشود که اعمال حقوق معنوی بعد از فوت پدیدآورنده با کسانی است که وارث حقوق مادی او هستند و بعد از پایان مدت حمایت از حقوق مادی وزارت فرهنگ و هنر قائم مقام پدیدآورنده در خصوص حقوق معنوی خواهد بود.

باید یادآور شد که چون ورثه ادامه دهنده شخصیت و حافظ احترام پدیدآورنده هستند، بعضی از حقوق معنوی پدیدآورنده که به ایشان منتقل شده رنگ دیگری سیاه

و اختیارات مربوط به آن از آنچه خود پدیدآورنده داشته محدودتر است. امتیازات معنوی پدیدآورنده باید در راه مصلحت معنوی متوفی بکار رود، نه در خدمت ورثه. لذا بعضی از علمای حقوق گفته‌اند که اگر ورثه دارای حق ولایت بر اثر وحق حرمت نام و عنوان پدیدآورنده و اثر هستند، حق انتشار آنان مطلق نیست: آنان نمیتوانند اثری را که پدیدآورنده میخواست است مکتوم بدارد انتشار دهند همچنانکه نمیتوانند از انتشار اثری که پدیدآورنده نشر آن را اراده کرده جلوگیری نمایند^(۱).

بخش پنجم - ضمانت اجراء

در حقوق ایران، مانند حقوق کشورهای پیشرفته دیگر، برای تخلف از مقررات قانون و تجاوز به حقوق مادی یا معنوی پدیدآورنده مجازاتهای مدنی و جزائی مقرر شده است. فصل چهارم از قانون حمایت حقوق مؤلفان (مواد ۲ تا ۳ به بعد) راجع به تخلفات و مجازاتهاست.

در حقوق فرانسه فصل دوم از عنوان چهارم قانون ۱۹۰۷ (مواد ۷ به بعد) مربوط به ضمانت اجراء است.

ضمانت اجرای حقوق مادی و معنوی پدیدآورنده بموجب قانون ایران شامل چند چیز است:

الف - مجازات جزائی

برای تخلف از مقررات قانون و تجاوز به حقوق مادی و معنوی پدیدآورنده مجازات کیفری در نظر گرفته شده است که بر حسب مورد تفاوت میکند ولی بطور کلی این مجازات حبس تأدیبی و حداکثر آن سه سال است (مواد ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ قانون). تعقیب زه‌های مذکور در این قانون باشکایت‌شاکمی خصوصی شروع و یا گذشت او موقوف میشود ماده ۳۱). باید اضافه کنیم که طبق ماده ۳۲ این قانون مواد ۲۴ - ۲۵ - ۲۶ - ۲۷ - ۲۸ - ۲۹

(۱) پلانیول - ریبرویکار، ج ۳، ش ۵۷۵.

قانون مجازات عمومی که شامل کیفرهایی در این زمینه بوده نسخ شده است.

ب - مسئولیت مدنی

طبق قواعد عمومی مسئولیت مدنی، مؤلف یا هنرمند یا هر کسی که حقوق مادی پدیدآورنده جزء یا کلاً به او منتقل شده میتواند جبران خساراتی را که بر اثر تجاوز به این حقوق به او وارد آمده است از متجاوز مطالبه کند. طبق ماده ۲۸ قانون حمایت حقوق مؤلفان هر گاه متخلف شخص حقوقی باشد خسارات شاکی خصوصی از اموال شخص حقوقی جبران خواهد شد و در صورتیکه اموال شخص حقوقی به تنهایی تکافو نکند مابه التفاوت از اموال شخص حقیقی مسئول که جرم ناشی از تصمیم او بوده جبران خواهد شد.

ج - درج مفاد حکم در روزنامه

«شاکی خصوصی میتواند ازداد گاه صادرکننده حکم نهائی درخواست کند که مفاد حکم در یکی از روزنامه ها به انتخاب و هزینه او آگهی شود» (ماده ۲۷).

د - جلوگیری از نشر و پخش و عرضه اثر

مجازات مدنی و جزائی متخلف برای احقاق حق پدیدآورنده کافی نیست بلکه در اکثر موارد باید برای جلوگیری از نشر و پخش و عرضه اثر بدون رعایت حقوق پدیدآورنده اقدام شود. اینست که ماده ۲۹ قانون مقرر میدارد: «راجع قضائی میتواند ضمن رسیدگی به شکایت شاکی خصوصی نسبت به جلوگیری از نشر و پخش و عرضه آثار مورد شکایت و ضبط آن دستور لازم به ضابطین دادگستری بدهند».

نتیجه

حق مؤلف و هنرمند که میتوان آنرا مالکیت ادبی و هنری نامید در همه کشورهای

مترقی امروز مورد توجه و حمایت قانونگذار واقع شده است و هدف از این حمایت حفظ منافع فردی از یک سو و رعایت مصالح اجتماعی از سوی دیگر است.

شک نیست که حمایت از حقوق مادی و معنوی مؤلف و هنرمند موجب تشویق این طبقه و گسترش فرهنگ و هنر خواهد بود. در کشور ما وضع قانون سال ۱۳۴۸ یکی از آرزوهای دیرینه جامعه مؤلفان و مصنفان و هنرمندان را برآورد و خلئی را که از این لحاظ در حقوق ایران وجود داشت پر کرد. قبل از این قانون مقررات حمایت از حقوق پدیدآورنده بسیار ناقص بود و بهیچوجه برای نیازمندیهای اجتماع جدید ما کافی نبود. لیکن امروز خوشبختانه ایران دارای قانون بالنسبه جامعی در این زمینه است که با قوانین کشورهای پیشرفته دنیا قابل مقایسه است. این قانون که از طرحها و لوایح قبلی که در زمینه حق مؤلف و هنرمند تهیه شده^(۱) بسی کاملتر و جامعتر است شامل اصولی است که در همه کشورهای مترقی برای حمایت از مالکیت ادبی و هنری پذیرفته شده است. در واقع تصویب این قانون قدم بزرگی است که قانونگذار ایران در این راه برداشته است.

معهدا تعمق و پژوهش در قانون مذکور و مطالعات تطبیقی نشان میدهد که این قانون دارای نقائصی است. علاوه بر اشکالات جزئی مربوط به شکل که در پیش به آنها اشاره شد، نقائص زیر در این قانون بچشم میخورد:

۱- اصالت اثر بصورت یک شرط کلی حمایت ذکر نشده است، هرچند که میتوان آنرا از خلال عبارات مختلف قانون استنباط کرد.

۲- در بند ۲ از ماده ۲ قانون «اثر فنی که جنبه ابداع و ابتکار داشته باشد» جزو آثار مورد حمایت قانون آورده شده و بنظر میرسد که این قسمت زائد باشد زیرا اثر فنی اگر خارج از قلمرو ادب و هنر باشد مشمول این قانون نیست و از طرفی اثر ادبی یا هنری، خارج از اثرهای دیگری که قانون ذکر کرده نخواهد بود.

(۱) برای اطلاع از این طرحها و لوایح رجوع شود به: مشیریان، حق مؤلف و حقوق

تطبیقی، ص ۱۹۰ به بعد.

۳- حقوق معنوی پدیدآورنده تعریف نشده و آنکهی بطور مطلق «غیر قابل انتقال» معرفی شده در حالی که باید قابل انتقال از طریق ارث یا وصیت باشد.

۴- قرارداد نشر یا عرضه اثر در قانون تنظیم نشده و این قرارداد تابع قواعد عمومی معاملات است، با اینکه مناسب آن بود که قانون ایران مانند قانون فرانسه اینگونه قرارداد را تابع قواعد خاصی که متضمن حمایت کافی از مؤلف و هنرمند باشد قرار میداد.

۵- در مورد مدت حمایت از اثر، قانون ایران درباره اثرهایی که بدون نام مؤلف یا بانام مستعار منتشر میشود ساکت است، در حالی که بجا بود مدت خاصی برای حمایت از این آثار تعیین میکرد.

۶- در ماده ۱۶ مدت حمایت از اثری که حق استفاده از آن به شخص حقوقی واگذار شده باشد سی سال از تاریخ نشر یا عرضه اثر قرار داده شده، با اینکه تفاوتی بین انتقال حق استفاده به شخص طبیعی یا شخص حقوقی نمیتوان قائل شد و بجا بود که قاعده استثنائی مذکور برای این مورد مقرر نمیشد و مورد، تحت شمول مواد ۱۴ و ۱۵ قانون (راجع ب مدت استفاده انتقال گیرنده از حق و حمایت از آن بعد از پایان این مدت) باقی میماند

منابعی که در تهیه این مقاله به آنها رجوع شده است

الف - به زبان فرانسه

- 1- CABBONNIER (J), Droit civil, t. II, Paris 1967.
- 2- COLIN (A), CAPITANT (H), et JULLIOT de la MORANDIERE (L.), Traité de Droit civil, t. II, Paris 1954.
- 3- DESBOIS (H.), Le Droit d'auteur en France, 2° édit. Paris 1966.
- 4- - Le Droit d'auteur, Droit français, Convention de Berne révisée, Paris 1950.
4. Dictionnaire de Droit, t. II, Dalloz, Paris 1966, mise à jour 1969.
- 6- Encyclopédie DALLOZ, Répertoire de Droit civil, mise à jour 1969, t. IV, Propriété littéraire et artistique.
- 7- Loi française du 11 mars 1957 sur la propriété littéraire et artistique.
- 8- Le Droit de propriété dans les pays de l'Est, Journées d'étude du 4 au 6 novembre 1963, Bruxelles 1964.
- 9- MARTY(G.) et RAYNAUD (P.), Droit civil t., II 2° Vol., Paris 1965.
- 10- MAZEAUD (J. H. L.), Leçons de Droit civil, t. II, Paris 1962.
- 11- PLANIOL (M.), RIPERT (G.) et PICARD (M.), Droit civil français, t. III, Paris 1953, mise à jour 1962.
- 12- Revue internationale de Droit comparé 1962 n. 3, p. 618 et s.
- 13- Revue internationale du Droit d'auteur, n. spécicl LIV-LV, 1967-1968.
- 14- RIPERT(G.), BOULANGER (J.), Traité de Droit civil, t. II, Paris 1957.
- 15- SIDJBNSKI-CASTANOS, Droit d'auteur ou copyright, Lausanne 1954.
- 16- WEILL (A.), Droit civil (Précis Dalloz), t. I, Paris 1968.

ب - به زبان فارسی

- ۱- دکتر افشار، حسن، کلیات حقوق تطبیقی، تهران ۱۳۴۶.
- ۲- سنگلجی، محمد، کلیات عقود و ایقاعات و قانون رضاع در اسلام، چاپ ششم.
- ۳- - ضوابط معاملات و کلیات عقود و ایقاعات، تهران ۱۳۴۱.
- ۴- دکتر صفائی، حقوق مدنی، جلد اول، چاپ دوم ۱۳۴۸.
- ۵- فرهنگ دهخدا، کلمه تألیف.
- ۶- قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸.
- ۷- مشیریان، محمد، حق مؤلف و حقوق تطبیقی، تهران ۱۳۳۹.